

تا ابد جاوید هستی ،  
 تا ابد عزیز چهره و گلبرگهای شعرو دانش ،  
 ژاله هستی ،  
 ژاله هستی ،  
 ژاله هستی ،

خرداد ، ۱۳۶۴ - مادریه

۰۴ کزرس

ثراله ،

ای بنشسته بر هر برگ گل در با مدخله ،  
شبنمی یا اشک چشم یا نوید با مدخله در ؟  
یا سرسبزه ریخته بار و افلاک ؟  
یا در فریاد درون محوم امید دار ؟ !  
کاین چنین رخسند ، مستی .

شعرهای قصه های اشک خلو بر نخبه ،  
آه درد در دمنده ، ناله ز بحر پیاخ ،  
یا امید رستن از نخبه بد کالنج ،

سالمها دور از وطن لهر ثراله با اندوه خو ؟  
قصه رخسند با اندوه همچون لوه خو ؟  
نی - تو کوهر بر سر ت خورشید عالم تاب دار ،  
تو خود البرز تولنج و تاب دار ،  
مستی اندر شعر تو همچون شراب ناب دار ،

ثراله باران ز شاخ گل فرو ریخ ،  
کیک تو در سینه تاریخ و محوم جا دار ،